



## Peace Journalism:

### Analyzing the theme of the Taliban regaining power in Afghanistan from the perspective of Iranian newspapers

Dariush Shaaban 

PhD student of Communication Sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran mail [dariush.shaban1395@yahoo.com](mailto:dariush.shaban1395@yahoo.com)

---

---

#### Article Info

#### ABSTRACT

**Article type:** Research Article

**Article history:**

Received 28 June 2022

Received in revised form 20

July 2022

Accepted 16 September 2022

Published online 15 December 2023

**Keywords :**Peace journalism, thematic analysis, Taliban, Afghanistan

:

*The news coverage of events related to war and violence is one of the main priorities of the media, therefore, the news value of conflict and confrontation is considered a professional standard in reporting and publishing media texts; The concept of peace journalism is opposed to this approach. This genre of journalism tries to eliminate and reduce the harmful effects of war and conflict with logical methods and by observing certain standards. In this research, while introducing and reviewing the literature of peace journalism, the approach of the Iranian press in facing the Taliban's return to power in Afghanistan is examined within the framework of the components of peace journalism with the qualitative method of content analysis. For this purpose, 50 articles published in 5 newspapers (Kihan, Resalat, Sharq, Aftab Yazd and Hamshahri) in the period of one week from August 30 to September 4, 1400 were taken as a statistical sample and the basic, organizing and comprehensive themes were extracted and It is presented in the form of a table of themes. The investigated newspapers have looked at the nature of the Taliban government from two pessimistic and optimistic perspectives, analyzed the causes of the Taliban's return to power in two categories, internal and external causes, and predicted possible threats and opportunities and solutions to face them. have presented with the developments that have occurred.*

---

**Cite this article:** Shaaban, Dariush (1402). Journalism of peace: analysis of the theme of the Taliban regaining power in Afghanistan from the perspective of Iranian newspapers, news sciences, 12 (1), 78-94

DOI: <http://doi.org/000000000000000000000000>



## روزنامه نگاری صلح:

### تحلیل مضمون به قدرت رسیدن دوباره طالبان در افغانستان از منظر روزنامه های ایران

داریوش شهبان ✉

نویسنده مسئول، دانشجوی دکتری علوم ارتباطات دانشگاه علامه طباطبائی تهران، رایانامه: [dariush.shaban1395@yahoo.com](mailto:dariush.shaban1395@yahoo.com)

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	پوشش اخبار رویدادهای مرتبط با جنگ و خشونت از اصلی ترین اولویت رسانه هاست، از اینرو ارزش خبری تضاد و برخورد معیار حرفه ای در گزارش و انتشار متون رسانه ای محسوب می شود؛ در تقابل با این رویکرد مفهوم روزنامه نگاری صلح قرار می گیرد. این ژانر از رونامه نگاری با شیوه های منطقی و با رعایت موازین خاص در جهت رفع و کاهش اثرات زیانبار جنگ و درگیری تلاش می کند. در این پژوهش ضمن معرفی و مرور ادبیات روزنامه نگاری صلح، رویکرد مطبوعات ایران در مواجهه با به قدرت رسیدن دوباره طالبان در افغانستان در چهارچوب مولفه های روزنامه نگاری صلح با روش کیفی تحلیل مضمون بررسی می شود. به این منظور ۵۰ مطالب منتشره در ۵ روزنامه (کیهان، رسالت، شرق، آفتاب یزد و همشهری) در فاصله یک هفته ای ۳۰ مرداد تا ۴ شهریور ۱۴۰۰ به عنوان نمونه آماری در نظر گرفته و مضامین پایه، سازمان دهنده و فراگیر آن استخراج و بر اساس آن در قالب شبکه مضامین ارائه شده است. روزنامه های مورد بررسی از دو منظر بدبینانه و خوشبینانه ماهیت حکومت طالبان را نگاه کرده اند، علل به قدرت رسیدن دوباره طالبان را در دو دسته علل داخلی و خارجی واکاوی و تهدیدها و فرصت های احتمالی آن را پیش بینی و راه حل های برای مواجهه با تحولات رخ داده ارائه نموده اند.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۲۰	کلیدواژه‌ها: افغانستان، تحلیل مضمون، روزنامه نگاری صلح، طالبان.
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۱۱/۲۵	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۲۸	
تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۱/۲۵	

استاد: شهبان، داریوش؛ (۱۴۰۲) روزنامه نگاری صلح: تحلیل مضمون به قدرت رسیدن دوباره طالبان در افغانستان از منظر روزنامه های ایران، علوم خبری،

۱۲ (۱)، ۷۸-۹۴

DOI: <http://doi.org/00000000000000000000000000000000>



**مقدمه و بیان مسئله:**

«ویلیام راندلف هیرست» مدیر نیویورک ژورنال در جریان مناقشه سیاسی شدید ایالات متحده آمریکا و اسپانیا در سال ۱۸۹۸ یکی از خبرنگاران خود به نام «فردریک رمینگتون» را که در عکاس نیز مهارت داشت به هاوانا پایتخت کوبا فرستاد تا از چگونگی خشونت های اسپانیایی ها و مبارزات کوبایی ها علیه آنان برای نیورک ژورنال گزارش تهیه کند. این خبرنگار در یکی از پیام های تلگرافی که برای هیرست به نیورک فرستاد چنین نوشت: هیچگونه اغتشاشی و آشوبی وجود ندارد. جنگ روی نخواهد داد، از این روی می خواهم برگردم. هیرست در پاسخ خبرنگار خود برای او پیام فرستاد: لطفا در کوبا بمانید. شما تصویر ارسال کنید من مقدمات جنگ را فراهم خواهم کرد. مدتی بعد یک ناوشکن امریکایی به طور تصادفی نزدیک سواحل مجاور هاوانا منفجر شد. «هیرست» بلافاصله مسئولیت انفجار ناوشکن را به عهده اسپانیا گذاشت و سپس با انتشار اخبار و تصاویری درباره ساخت ناوجنگی جدید اسپانیا برای مقابله با آمریکا افکار عمومی را بیش از پیش برای ورود ایالات متحده به نبرد نظامی علیه اسپانیا بر سر کوبا آماده کرد. سرانجام در سال ۱۸۹۸ دولت آمریکا در مورد مسئله کوبا به اسپانیا اعلام جنگ داد و آن سرزمین را تصرف کرد (مهاجرانی، ۱۳۸۱: ۲۵-۱۶). مطلبی که از نظر گذشت یکی از صدها نمونه تاریخی است که رسانه ها آتش بیار معرکه شده و پیشاپیش دولت ها بر طبل جنگ کوبیده اند. این رویکرد تا آنجا پیش رفته است که: ژان بودیار (فیلسوف فرانسوی) اصرار می ورزد که جنگ های امروزی دیگر جنگ نیستند ( بلکه فراواقعیت های ساخته شده توسط رسانه هاست) او با مورد شناسی جنگ خلیج فارس در دهه ۱۹۹۰ همه چیز را درباره ی آن با تردید می نگرد و این پرسش را در اذهان بر می انگیزد که جنگ خلیج فارس است یا جنگ رسانه ها؟ از نظر بودیار جنگ خلیج فارس رخ نداده است و واقعیت ندارد. چون هیچ تفاوت بنیادینی میان این جنگ و یک جنگ استودیویی وجود ندارد. او در کتابی با همین عنوان ( جنگ خلیج فارس هرگز رخ نداده است) نشان می دهد چگونه مفهوم واقعی جنگ که یک مصیبت بزرگ و تراژدیک انسانی است، از خلال رسانه ها به فراواقعیت و به مجموعه ای از تصاویر گزینش شده، در قالب یک نمایش یا شوی تلویزیونی که افراد هم چون سریالی تلویزیونی در انتظار دیدنش لحظه شماری می کنند تبدیل می شود (عبداللهی نژاد، ۱۳۹۲: ۲۱-۱۹). در تقابل با این رویکرد در دهه ۷۰ میلادی «یوهان گالتونگ» ایده ی روزنامه نگاری صلح را مطرح کرد. روزنامه نگاری صلح با ارزش خبری تضاد و درگیری که معیاری حرفه ای برای پرداختن به رویدادهای پیرامون نزاع و خشونت است به گونه ای دیگر مواجهه می شود؛ نه به این معنا که چشم بر روی تضاد و درگیری ببندند و اثرات خشونت را تخفیف دهند، بلکه با شیوه های خاص خود چون راه حل گرایی، فرایند مداری، حقیقت گرایی و مردم گرایی به روزنامه نگاران این امکان را می دهد که با شیوه ای منطقی و با رعایت معیارهای خاص اخبار و گزارش های مربوط به درگیری و جنگ را پوشش داده و در جهت رفع یا کاهش اثرات زیانبار آن تلاش کنند. توجه به روزنامه نگاری صلح و نقش آن در کاهش منازعات داخلی و بین المللی برای روزنامه نگاران ایران که جبر جغرافیایی آنان را در چهارراه مهمترین منازعات و جنگ دهه های اخیر ( داعش، سوریه، عراق، یمن، فلسطین و افغانستان) قرار داده، بسیار مهم و ویژه است. فرار اشرف غنی رئیس جمهور افغانستان و فتح کابل توسط طالبان، در تاریخ ۵/۲۴/۱۴۰۰ خبر شماره یک رسانه های جهان بود. بیست سال پیش ارتش آمریکا و ناتو با بهانه مبارزه با تروریسم، خاک افغانستان را اشغال و طالبان را از تخت حکومت بر افغانستان پایین کشیدند... بیست سال طالب ها در حاشیه و سایه زیستند و اکنون بار دیگر با فتح کابل بر تخت حکومت جلوس کرده و آغاز دوران جدیدی از حیات امارت اسلامی در این کشور را اعلام کردند. ایران با داشتن بیش از ۸۰۰۰ کیلومتر مرز جغرافیایی با افغانستان و نیز داشتن اشتراکات فرهنگی و تاریخی و نیز روابط اقتصادی با این کشور خواه یا ناخواه تحولات افغانستان تاثیر می پذیرد و حکومت طالبان تهدیدها و فرصت های را برای کشورمان به همراه خواهد داشت. رویکرد رسانه ها در پرداختن به تحولات افغانستان به ویژه در روزهای نخست که امکان تشویش در افکار عمومی هست و نیز دولتمردان مواضع رسمی خود را در قبال حکومت طالبان اعلام می کنند بسیار مهم است. بنابراین در این پژوهش ضمن نگاهی به ادبیات روزنامه نگاری صلح، رویکرد روزنامه های ایران پیرامون به قدرت رسیدن مجدد طالبان در چهارچوب مولفه های روزنامه نگاری صلح با روش تحلیل مضمون بررسی می کنیم. به این امید که به سهم خود دانش روزنامه نگاری صلح را ترویج دهیم و نیز سندی برای قضاوت تاریخی کارایی روزنامه نگاری صلح برای مواجهه با منازعات تهیه کنیم.

## اهداف تحقیق:

- ۱- آشنایی با مولفه های روزنامه نگاری صلح به منظور ارتقاء سطح دانش ادبیات این ژانر از روزنامه نگاری.
- ۲- شناخت رویکرد روزنامه های ایران در مواجهه با به قدرت رسیدن دوباره طالبان در افغانستان.

## پیشینه پژوهش:

موضوع روزنامه نگاری صلح مفهوم جدیدی در ادبیات رسانه ای کشور ما محسوب می شود و عمری کمتر از دو دهه دارد؛ تعداد آثار علمی که طی این مدت نیز به این ژانر پرداخته از چند مقاله و پایان نامه انگشت شمار (البته ارزشمند) فراتر نرفته و هنوز کتابی مستقل و منسجم درباره ی روزنامه نگاری صلح در کشور تالیف و حتی ترجمه نشده است. مهمترین مقاله و پایان نامه های یاد شده به شرح زیر می باشد:

- (.... و باید صلح) عنوان مجموعه مقاله دوجلدی است که حاصل همایش دو روزه با عنوان ( همایش بین المللی خبرگزاری ها ائتلاف برای صلح است) است که در ۲۳ و ۲۴ مهر ۱۳۸۱ در تهران برگزار شد. جلد اول این مجموعه به مباحث سیاسی و بین المللی پیرامون صلح پرداخته است. در جلد دوم کتاب مقاله های منتشر شده است که به نقش رسانه ها و خبرگزاری ها در صلح بررسی شده است و موضوع روزنامه نگاری صلح نیز را بررسی کرده اند قابل توجه ترین مقاله ها عبارتند از:

- « محمد مهدی فرقانی » در مقاله ای با عنوان « مبانی گزارشگری صلح » ( این مقاله با همین عنوان در کتابی با عنوان «مجموعه مقالات روزنامه نگاری، ارتباطات و جامعه» که مجموعه مقالات دکتر محمد مهدی فرقانی است در سال ۱۳۹۳ منتشر شده است) خبرگزاری ها را به بازنگری در تفکر ژورنالیستی، تکنیک های تهیه و تنظیم خبر و گزارش فرا می خواند. چرا که گفتمان جنگ و کشمکش در این فضا رسانه ای در حال تولید خود است. در این مقاله به ضرورت نگرش اخلاقی به فعالیت رسانه ای، تقویت اخلاق حرفه ای از جمله رعایت دقت، بی طرفی، صحت و علاوه بر آن پاسداری از حقوق و منزلت انسان، لزوم پرهیز از پیش داوری و .... تاکید شده است.

- « کاظم معتمد نژاد» در مقاله ای با عنوان (گزارشگری خبری، تفاهم و صلح جهانی) به بررسی و ارزیابی شیوه های گزارشگری خبری خبرگزاری ها و مسائل ارتباط جمعی معاصر، با توجه به اصول و قواعد حقوق بین المللی پرداخته است. به اعتقاد وی باید در نظر داشت که در گزارشگری های خبری کنونی، تحت تاثیر شرایط ساختاری و اوضاع و احوال محیطی داخلی و خارجی حوزه فعالیت و انتشار رسانه ها و ماهیت و کیفیت محتویات آنها، بیشتر برای جلب توجه انبوه مخاطبان و برانگیختن عواطف، احساس و هیجان های آنان پرداخته می شود، به نحوی که پخش اخبار برخوردها، خشونت ها و منازعه ها و جنگ ها و ارزش گذاری و برجسته سازی آنها، اهمیت می باید و تنها برخی از وسایل ارتباط جمعی که تعداد آنها اندک است به خبرهای مربوط به گفت و شنودها، تفاهم طلبی ها و صلح جویی ها توجه می کنند.

- « مجید تهرانیان» در مقاله ای با عنوان « روزنامه نگاری صلح؛ بحثی در زمینه اصول اخلاقی رسانه های جهانی» ضمن اشاره به واقعه ۱۱ سپتامبر، آن را ناشی از آسیب پذیر بودن دهکده جهانی می داند که بیانگر درک نادرست اهالی دهکده جهانی است. به اعتقاد تهرانیان، در دهکده جهانی از صمیمیت و ارتباط رودر روی خبری نیست. به نظر او دنیای رسانه ای شده امروز را نهادهای رسانه ای دولتی و تجاری می گردانند و این پرسش را مطرح می کند که آیا با این نظام می توان روزنامه نگاری صلح را ارتقاء بخشید؟ به نظر او شرایط حتمی و اجتناب ناپذیر روزنامه نگاری صلح داشتن اخلاق مسولانه در حرفه رونامه نگاری است و روزنامه نگاری صلح در یک نظام رسانه ای مختلط که کثرت گرای ساختاری به کثرت گرای محتوا و موازنه در پوشش خبرها گرایش داشته باشد، قادر به رشد و شکوفایی است.

- « مهدی محسنیان راد » در مقاله ای با عنوان « آسیب شناسی توجه به صلح در رسانه ها » تصریح می کند که خبرگزاری ها و رسانه های بومی در مناطق جغرافیایی مختلف جهان معاصر، هنگامی به صلح به عنوان یک سوژه خبری توجه می کنند که منابع قدرت در انتهای یک جنگ، به قرارداد صلح روی آورند. در واقع همانگونه که آنان تا آن لحظه ابزار پروپاگاندای ماشین جنگ بوده اند، حال بر اساس تصمیمات منابع قدرت، پروپاگاندیست صلح می شوند.

علاوه بر مقاله های مرور شده به دو پایان نامه کارشناسی ارشد که در خصوص روزنامه نگاری صلح به نگارش درآمده است اشاره می شود:

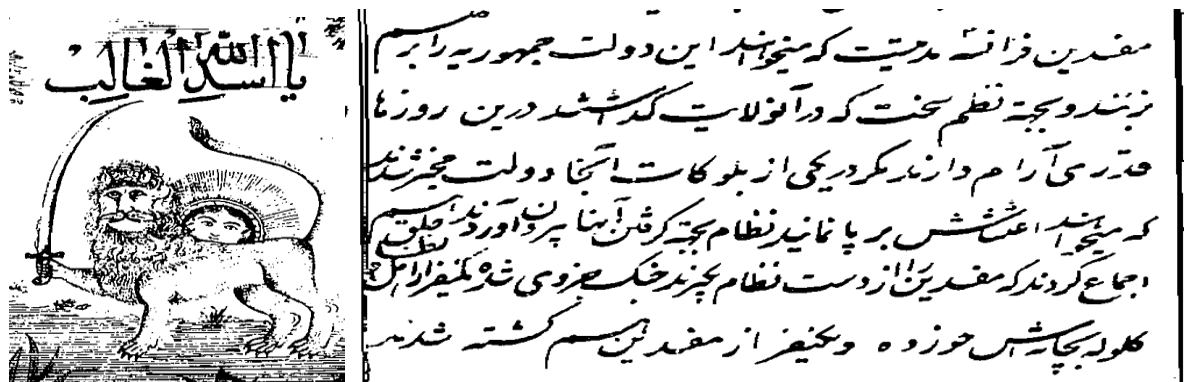
- « فتانه انفرادی » با استاد راهنمایی « محمدعلی هرمزی زاده » در پایان نامه ی کارشناسی ارشد علوم ارتباطات، دانشکده صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران با عنوان « بررسی میزان انطباق فعالیت حرفه ای خبرنگاران خبرگزاری های کشور با روزنامه نگاری صلح » که در تیرماه ۱۳۸۷ در دفاع شده است، با انجام پژوهشی ضمن اشاره به اینکه روزنامه نگاری صلح روشی جایگزین در پوشش اخبار محسوب می شود. میزان آگاهی خبرنگاران را از آن کم و ناچیز ارزیابی کرده است.

- « علی شاکر » با استاد راهنمایی « هادی خانیکی » در پایان نامه ی کارشناسی ارشد علوم ارتباطات، دانشگاه علامه طباطبایی با عنوان « روزنامه نگاری صلح و ارزش های خبری آن در ایران، نحوه انعکاس اخبار حمله نیروهای ائتلاف به عراق در شش روزنامه سراسری کشور » که در سال ۱۳۸۸ دفاع شده است (مقاله ای با همین عنوان از آن استخراج و سال ۱۳۹۸ در « فصلنامه مطالعات فرهنگ و ارتباطات » منتشر شده است). به تبیین شاخص ها و ارزش های روزنامه نگاری صلح پرداخته تا میزان بهره گیری روزنامه های مورد بررسی از ارزش های صلح در جنگ میان نیروهای ائتلاف و عراق در فروردین ۱۳۸۲ بسنجد. وی پس از استخراج و تعریف ارزش ها و مولفه های مربوط به روزنامه نگاری صلح به روش تحلیل محتوا کمی نمونه های مورد مطالعه را بررسی می کند. نتیجه پژوهش نشان می دهد که میزان استفاده از مولفه های مربوطه در مطبوعات مورد بررسی بسیار پایین است.

## ادبیات تحقیق :

### الف ( روزنامه نگاری صلح:

اخبار و گزارش های مربوط به جنگ و خشونت پایه ثابت رسانه های خبری است، گلوله ای در یک نقطه این جهان که شلیک شود، عمده رسانه های جهان با توجه به سیاست های خبری خود و اینکه کدام طرف ایستاده اند آن را بازتاب می دهند، برخی رسانه ها تلاش می کنند شلیک یک گلوله را به رگبار مسلسل تبدیل کنند و برخی تمام توانشان را به کار می گیرند که جهان را اقناع کنند که گلوله ای شلیک نشده است. این توجه و اشتیاق به گزارشگری جنگ پیشینه ای به عمر رسانه ها دارد. برای نمونه ، نگاهی به اولین شماره روزنامه وقایع التفاقیه در ۵ ربیع الثانی سال ۱۲۶۷ هجری قمری (۷ فوریه ۱۸۵۱ میلادی) گواهی بر این ادعا در مطبوعات ایران است. در صفحه ۴ این نشریه می خوانیم: (مفسدین فرانسه مدتیست که می خواهند این دولت جمهور را برهم زنند و بجهت نظم سخت که در آنولایت گذاشتند درین روزها قدری آرام دارند مگر در یکی از بلوکات آنجا دولت مخبر شدند که می خواهند اغتشاش برپا نمایند نظام بجهت گرفتن آنها بیرون آوردند خلق هم اجماع کردند مفسدین را از دست نظام بگیرند جنگ جزوی شده یکنفر گلوله به چانه اش خورده و یکنفر از مفسدین هم کشته شدند) (وقایع اتفاقیه، ۱۲۶۷ ق : ۴).



فی یوم جمعه حشم شهر ربيع الثانی سنة ۱۲۶۷

به عبارتی همواره در طول تاریخ چندین ساله رسانه‌های جمعی پوشش خبری رویدادهای مرتبط با جنگ و خونریزی و خشونت و درگیری یکی از اصلی‌ترین اولویت‌های رسانه‌ها بوده و از همین رو ارزش خبری تضاد و برخورد معیاری حرفه‌ای در گزارش تهیه و انتشار متون رسانه‌ای در زمینه‌های متفاوت وسایل ارتباط جمعی به شمار می‌رود. این رویکرد گفتمان رسانه جنگ و یا روزنامه نگاری جنگ را شکل می‌دهد.

در تقابل با این رویکرد (بازنمایی جنگ و خشونت و دامن زدن و یا لاپوشانی آن) مفهوم روزنامه نگاری صلح برای نخستین بار در دهه ۷۰ میلادی توسط پژوهشگر برجسته صلح نوژی «یوهان گالتونگ» مطرح شد. روزنامه نگاری صلح، رویکردی جایگزین در برابر شیوه گزارشگری متداول و متعارف رسانه‌ها در پوشش اخبار درگیری است و هدف آن ارائه راه حل‌های خلاق در جهت رفع درگیری است. این نوع روزنامه نگاری از تکنیک‌های حل درگیری در گردآوری و پردازش اخبار استفاده می‌کند و با تجزیه و تحلیل درگیری به رفع آن کمک می‌کند. روزنامه نگاری صلح با هدف تعادل و شفاف سازی درگیری و انعکاس نظرات طرفین درگیری، بین آنها همدلی ایجاد کرده و ابتکار عمل و خلاقیت طرفین را مورد تشویق و ترغیب قرار می‌دهند. در روزنامه نگاری صلح خبرها حکایت از کسب پیروزی یک طرف و شکست برای طرف درگیر ندارد. در روزنامه نگاری صلح، روزنامه نگاران هنگام انتخاب و تنظیم اخبار و رویدادها بر بی طرفی حقیقت و تعادل تکیه کرده و برخورداری از بینش تحلیلی درگیری، درگیری را شفاف می‌کنند. روزنامه نگاری صلح وظایف پیچیده تری برعهده دارند. چرا که بر گزارش‌های متمایل به فرآیند تکیه کرده و به زمینه‌های تاریخی فرهنگی و سابقه رویدادها نیز توجه می‌کنند. بنابراین زمان، انرژی و تعهد بیشتری گزارش‌های خود اختصاص به می‌دهند (Erosy, 2006).

### مدل روزنامه نگاری صلح گالتونگ:

از منظر گالتونگ روزنامه نگاری صلح، رویکردی جایگزین در برابر شیوه گزارشگری متعارف در پوشش اخبار درگیری است که ویژگی‌ها و مؤلفه‌های خاصی همچون راه حل‌گرایی، فرایندمداری، حقیقت‌گرایی و مردم‌گرایی به خبرنگاران و گزارشگران اخبار درگیری این امکان را می‌دهد که به شیوه منطقی و با رعایت معیارهای ویژه درگیری را پوشش داده و برای رفع یا کاهش اثرات زیانبار آن تلاش کنند:

راه حل‌گرایی؛ گالتونگ معتقد است که راه حل‌گرایی، تنظیم راه حل‌های پیشنهادی همراه با خلاقیت و ابتکار عمل در جهت رفع درگیری است. به عبارت دیگر، منظور از راه حل‌گرایی این است که خبرنگاران در فعالیت حرفه‌ای خود تا چه اندازه راه حل‌های مختلف را برای رفع یا کاهش درگیری بکار می‌گیرند.

فرایندمداری؛ یعنی خبرنگار هنگام نوشتن و تنظیم خبرها، بتوانند راجع به زمینه های تاریخی، فرهنگی و سابقه پیدایش رویدادها گزارش تهیه کند. این نوع خبرها از یک گزارش یا مسئله مجرد و منفک فراتر می روند تا درکی منظم، قاعده مند و جامع را منتقل کنند. هدف از این نوع اخبار آگاه کردن مردم است.

حقیقت گرایی؛ یعنی خبرنگار باید ناراستی های همه طرف های درگیر را بازگو کند و تنها به بیان ناراستی های یک طرف نپردازد؛ چرا که حقیقت همه طرفها را در بر می گیرد. به عبارت دیگر منظور از حقیقت گرایی آن است که خبرنگار در گردآوری و پردازش اخبار تا چه میزان به حقایق توجه می کند.

مردم گرایی؛ گالتونگ مردم گرایی نقطه مقابل نخبه گرایی می داند و معتقد است که تأکید و تمرکز بر رنج ها (زنان، کودکان و سالمندان)، منعکس کردن صدای کسانی که طرفدار صلح هستند و علاوه بر آن بیان صداهای بی صدا و خاموش از نشانه های مردم گرایی است. به عبارت دیگر در این پژوهش منظور از مردم گرایی آن است که محقق تا چه اندازه دیدگاه ها و اظهارات مردم را در گردآوری خبرهای درگیری بازگو و منعکس و به رنج آسیب دیدگاه توجه می کند (انفرادی، ۱۳۸۷، ۱۰-۹).

### پیشینه روزنامه نگاری صلح در اسناد یونسکو:

«روزنامه نگاری صلح» ریشه در دو سند مهم یونسکو دارد. اولین سند بیانیه رسانه های جمعی است که در سال ۱۹۷۸ در بیستمین نشست مجمع عمومی در پاریس به تصویب رسید. در بند ۱۹ این بیانیه آمده است:

۱ - رسانه های جمعی سهم مهمی در تقویت صلح و تفاهم بین المللی و مقابله با نژادپرستی، آپارتاید و انگیزه جنگ دارند.

۲- در مقابله با جنگ خانمانسوز، نژادپرستی، آپارتاید و سایر موارد نقض حقوق بشر که به دلیل جهل و تعصب در میان اشخاص به وجود می آیند، رسانه های جمعی با انتشار اطلاعات در مورد اهداف، آرمانها، فرهنگ و نیازهای تمامی افراد برای حذف جهل و سوء تفاهم میان مردم، حساس کردن اتباع یک کشور نسبت به نیازها و خواسته های دیگران، تضمین احترام به حقوق و شان همه ملتها و همه مردم و همه اشخاص فارغ از نژاد، جنسیت، زبان، مذهب یا ملیت و جلب توجه نسبت به آسیبهای بزرگی چون فقر، سوء تغذیه و بیماریها که بشریت را مبتلا کرده اند، شرکت می کنند. بدین ترتیب ترویج این فرمول توسط سیاستهای دولتی، بهترین قابلیت برای کاهش کشمکش های بین المللی و افزایش حل و فصل صلح آمیز و منصفانه منازعات بین المللی است.

دومین سند یونسکو «اصول بین المللی اخلاق حرفهای در روزنامه نگاری» تصویب شده در سال چهارمین نشست مشورتی منطقه ای و بین المللی زیر نظر یونسکو در سال ۱۹۸۳ است. هشت سازمان منطقه ای و بین المللی روزنامه نگاری به نمایندگی از ۴۰۰ هزار روزنامه نگار با این مجموعه قوانین اخلاقی مهم موافقت کردند. دو اصل از این مجموعه به روزنامه نگاری صلح مربوط می شود. اصل ۳، محترم شمردن ارزشهای بین المللی و گوناگونی فرهنگها تصریح می کند: «یک روزنامه نگار حقیقی، به طرفداری از ارزشهای همگانی انسانی و بالاتر از همه صلح، دموکراسی، حقوق بشر، پیشرفت اجتماعی و آزادی شهروندی برمی خیزد. این روزنامه نگار در دگرگونیهای اجتماعی برای بهبود دموکراتیک جامعه فعالانه سهیم میشود و از طریق گفت و گو به ایجاد فضایی از اعتماد در روابط بین المللی که منجر می شود به صلح و عدالت فراگیر شرکت می کند».

اصل ۳، حذف جنگ و سایر شرارتهای پیش روی انسانیت، تعهدات اخلاقی را یادآور می شود: «التزام اخلاقی به ارزشهای انسانی همگانی، روزنامه نگاران را ملزم می کند به پرهیز از هرگونه تصدیق یا تحریک برای جنگهای تجاوزطلبانه و تمام انواع

دیگر خشونت، دشمنی یا تبعیض، به ویژه نژادپرستی و آپارتاید... به این وسیله روزنامه نگار میتواند به حذف جهل و سوء تفاهم میان مردم یاری و اتباع یک کشور را نسبت به خواسته ها و نیازهای دیگران حساس کند...» روزنامه نگاری صلح سازمانهای روزنامه نگاری حرفه ای را ملزم می کند به پذیرش ضوابط اخلاقی که میتوانند روزنامه نگاران را در تهیه اخبار متمایل به صلح از موضوعات جدال برانگیز راهنمایی کنند (Irvan,2006:34).

### اصول اخلاقی برای روزنامه نگاری:

پژوهشگری به نام «Suleyman Irvan» در مقاله ای با عنوان «روزنامه نگاری به مثابه نظریه هنجاری» اصول اخلاقی برای روزنامه نگاری صلح تدوین کرده است، این اصول به طور خلاصه عبارتند از:

الف: اصول رسالتگرا:

- \* روزنامه نگاران باید در جستجوی راه حلهای صلح آمیز باشند.
  - \* روزنامه نگاری صلح، روزنامه نگاری حقیقتگراست. روزنامه نگاران باید نادرستی و کذب را افشا کنند.
  - \* روزنامه نگاران باید از تبدیل شدن به بخشی از مشکل اجتناب کنند؛ آنان باید بکوشند تا بخشی از راه حل باشند.
- ب: اصول جمع آوری خبر
- \* روزنامه نگاران باید در جستجوی منابع غیر برگزیده باشند.
  - \* روزنامه نگاران باید توجه بیشتر و مثبت تری به صلح آوران داشته باشند.
  - \* روزنامه نگاران باید برای تعیین صحت همه ادعاها سخت تلاش کنند. شکاک بودن صفت مهمی برای یک روزنامه نگار خوب است.
  - \* روزنامه نگاران باید در مورد اعمال خلاف تمام طرفهای یک درگیری تحقیق کنند.
  - \* روزنامه نگاران باید بر روی فراگرد متمرکز شوند، نه فقط بر روی یک حادثه خاص.

### ج: اصول نوشتن خبر

- \* روزنامه نگاران باید ابتکارها یا پیش قدمی ها برای دستیابی به صلح را برجسته کنند.
- \* روزنامه نگاران باید به آثار پیدا و پنهان خشونت و برخورد توجه کنند.
- \* روزنامه نگاران باید سابقه اطلاعات را تهیه کنند.
- \* روزنامه نگاران باید همیشه اصول اخلاقی دقت، صحت، انصاف را به کار برند و به حقوق بشر احترام بگذارند.
- \* روزنامه نگاران باید از قربانی کردن، دیونمایی، رسوایی و زبان فتنه انگیز اجتناب کنند.
- \* روزنامه نگاران باید از تکیه کردن بر دو دستگی ساده لوحانه «ما علیه آنها» خودداری کنند (Irvan,2006:37).

### ضوابطی عملی برای روزنامه نگاران صلح:

در جولای سال ۲۰۰۱ دو ماه قبل از حادثه یازده سپتامبر در مجمع آزادی در لندن ۱۲ نکته که روزنامه نگاران در برخورد با خشونت غالباً در برخورد با آنها به خطا می روند مطرح می شود:

۱- عدم توجه به شرایط و زمینه های خشونت: تمرکز و توجه به رفتارهای نامعقول بدون توجه و نگرستن به دلایل مناقشات و تضادهای حل نشده.



- ۲- دو انگاری : کاهش تعداد طرفین مناقشه به دو نفر ، هنگامی که تعداد طرفین درگیر معمولاً بیشتر است. خبرها و گزارشاتی که فقط روی تحولات داخلی تمرکز می کنند غالباً حضور نیروهای "بیرونی" مانند دولت های خارجی و شرکت های فراملیتی را نادیده می گیرند.
- ۳- تصویر کردن یک طرف به عنوان طرف خوب و طرف دیگر به عنوان شرور و بد.
- ۴- اجتناب ناپذیر بودن درگیری: نشان دادن خشونت به عنوان تنها راه چاره و حذف راه حل های دیگر.
- ۵ - تمرکز بر اعمال و موارد انفرادی خشونت: نادیده گرفتن دلایل ساختاری و ریشه ای، مانند فقر، قصور دولت ها و سرکوب گری ارتش یا پلیس.
- ۶ - تمرکز به محل بروز خشونت، نه بر نیروها و عواملی که بر خشونت تاثیر می گذارند.
- ۷- نادیده گرفتن و حذف مصیبت دیدگان و محرومان.
- ۸ - ناکامی در ریشه یابی دلایل افزایش خشونت، و تاثیر خودکفایی رسانه ها در پوشش دادن اخبار.
- ۹- ناکامی در یافتن مقاصد دخالت های خارجی.
- ۱۰- شکست در بررسی پیشنهادهای صلح و ناکامی در توصیف نتایج مسالمت آمیز.
- ۱۱- تظاهر به آتش بس و مذاکرات به جای صلح واقعی.
- ۱۲- حذف آشتی: اگر به تلاش ها برای التیام جوامع آسیب دیده جدی گرفته نشود، احتمال بروز مجدد مناقشات وجود دارد. وقتی کوششی برای حل مناقشه صورت نگیرد، جبرگرای تقویت می شود. این امر، هنگامی که مردم تصویری یا اطلاعاتی درباره ی نتایج احتمالی صلح و امیدوی به بهبود اوضاع نداشته باشند به خشونت های بیشتری دامن می زند (اینبارج کریشن، ۱۳۸۲ : ۶۹).
- «مجید تهرانیان» با اشاره به اینکه روزنامه نگاری صلح از لحاظ تبیین آسان و از لحاظ اجرا دشوارترین است. ده فرمان برای روزنامه نگاری صلح بر می شمارد:
- ۱- هیچ گاه طرف های کشمکش انسانی را به « دو » طرف کاهش ندهید. به یاد داشته باشید که وقتی دو فیل به جان هم بیفتند، علف ها لگد مال می شود مواظب علف های بیچاره باشید.
  - ۲- دیدگاه ها و منافع همه طرف های کشمکش های انسانی را مشخص کنید. هیچ «حقیقت» منفردی وجود ندارد، حقایق بسیاری وجود دارد.
  - ۳- گروهان یک منبع به ویژه منابع دولتی ای که منابع اطلاعات را کنترل می کنند، نباشید.
  - ۴- قدری شکاکیت به خرج دهید. به یاد داشته باشید که گزارشگری یعنی بازنمود. در شرایط زندگی انسان ها ، تعصب و پیشداوری رواج بسیار دارد. شما، موسسه رسانه ای تان و منابع تان از این قاعده مستثنی نیستید.
  - ۵- به منظور تقویت و نشان دان دیدگاه های ستمدیدگان و صلح سازان به آنها امکان ابراز وجود بدهید.
  - ۶- سعی کنید برای مشکلات و مسایل مورد منازعه راه صلح آمیز پیدا کنید و هیچ گاه گرفتار داروی همه دردها نشوید.
  - ۷- بازنمود مسایل مورد منازعه توسط شما چنانچه بر میزان کینه و خصومت بیفزاید خود ممکن است به صورت بخشی از مسئله درآید.
  - ۸- بازنمود مسایل مورد منازعه توسط شما چنانچه در آن از تنش های سازنده در هر کشمکش انسانی برای یافتن راه حل های اساسی و غیر خشونت آمیز استفاده شود، می تواند خود به بخشی از راه حل تبدیل شود.
  - ۹- همواره اصول اخلاقی رسانه های حرفه ای یعنی دقت ، صحت، بی طرفی و رعایت حقوق و منزلت انسان را مدنظر داشته باشید.
  - ۱۰- به منظور مشاهده و بازنمود درست و عادلانه طرف های درگیر در منازعات و کشمکش های انسانی از تعصبات و پیشداوری قومی ، ملی، و عقیدتی خودتان فراتر روید( تهرانیان، ۱۳۸۰

**ب) تاریخچه سیاسی افغانستان، ظهور، سقوط و به قدرت رسیدن مجدد طالبان:**

در ۲۴ مرداد ۱۴۰۰ خبر فتح کابل پایتخت افغانستان توسط طالبان خبر شماره یک رسانه های جهان بود. تاریخ سیاسی افغانستان همواره در کشاکش نزاع برای قدرت ورق خورده است و این نقطه از جهان را به عنوان یکی از بی ثبات ترین و در نتیجه فقیر ترین کشورهای جهان تبدیل کرده است. به شرح اینفوگراف زیر نگاهی به تاریخچه سیاسی این کشور و ظهور و سقوط و به قدرت رسیدن مجدد طالبان می اندازیم.

قسمت عمده سرزمین افغانستان تا پیش از اسلام تحت حاکمیت ایران، پاکستان و آسیای مرکزی بود.	با ظهور اسلام افغانستان جز قلمرو امویان و عباسیان شد.	۱۷۳۷. م افغانستان به تصرف نادر شاه افشار درآمد و به ایران ملحق شد	۱۷۴۷. م بعد از مرگ نادر شاه نخستین دولت افغانی توسط احمدشاه ابدالی تاسیس شد.
۱۷۷۳. م قلمرو تحت فرمان احمدشاه ابدالی بعد از مرگ او برای نخستین بار افغانستان نامیده شد.	بریتانیا در سال ۱۸۳۹ میلادی به منظور جلوگیری از پیشروی روسیه به هند، کابل را تسخیر کرد	از سال ۱۸۴۰ تا ۱۹۱۹ قوای انگلیس در عملیات متعدد در خاک افغانستان درگیر بود	۱۹۱۹ م . پس از شکست قوای انگلیس از افغانستان استقلال افغانستان به رسمیت شناخته شد.
۱۹۸۷. م کمونیست ها در افغانستان به قدرت رسیدند بعد از چند ماه مردم علیه کمونیست ها قیام کردند.	۱۹۷۹ م. شوروی جهت حفظ منافع کمونیستی، افغانستان را اشغال و حفیظ اله امین را به قدرت رساندند.	۱۹۸۷. م. فعالیت نیروهای مجاهد و جنگ علیه شوروی	۱۹۸۹. م. خروج شوروی از افغانستان . مناقشه چندین گروه جهت تشکیل دولت در افغانستان.
۱۹۹۲ آغاز جنگ داخلی	تشکیل طالبان (با حمایت پاکستان و عربستان)	تسلط طالبان بر کابل و ۱۲ استان دیگر	۱۹۹۶. م. آغاز حکومت طالبان بر افغانستان
۲۰۰۱. م. ۱۱ سپتامبر. حمله القاعده به برج های دوقلو در آمریکا	۲۰۰۱. م. اکتبر. حمله آمریکا و ناتو به افغانستان	۲۰۰۱. م. نوامبر. سقوط حکومت طالبان بر افغانستان و شروع ریاست جمهوری حامدکرزی	۲۰۰۳. م اعلام جنگ چریکی طالبان علیه آمریکا و ناتو
۲۰۰۶. م ظهور دوباره طالبان به عنوان یک قدرت	۲۰۱۲ به نتیجه رسیدن مذاکرات طالبان و دولت افغانستان	۲۰۱۳ مرگ ملا عمر بنیانگذار طالبان	۲۰۱۴. م واگذاری امنیت به خود دولت افغانستان و به قدرت رسیدن اشرف غنی
۲۰۱۵. م ادامه مذاکرات میان افغانستان و طالبان	۲۰۱۶. م مرگ ملا اختر دومین رهبر طالبان. هیبت اله آخوند زاده جانشین او شد.	۲۰۲۰. م توافق آمریکا و طالبان	۲۰۲۱. م فتح کابل و به قدرت رسیدن مجدد طالبان.

**روش شناسی پژوهش:**

این پژوهش کیفی است و به روش تحلیل مضمون (تماتیک) انجام می گیرد.

**روش تحلیل مضمون (تماتیک):**

تحلیل مضمون یکی از روشهای تحلیل کیفی است که براساس آن متن مصاحبه های کیفی کاهش می یابد و بخشبندی، مقوله بندی و تلخیص، و سپس به گونه ای بازسازی می شود که مفاهیم مهم درون مجموعه ای از داده ها استخراج شود (عابدی جعفری و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۵۳).

**سوال های تحقیق:**

یوهان گالتونگ در مقاله با عنوان « روزنامه نگاری صلح و چالش های اخلاقی » پرسش های کلیدی برای گزارشگری روزنامه نگاری صلح را به شرح زیر طرح می کند.

۱- درگیری درباره ی چه موضوعاتی است؟ طرفهای درگیر کدامند؟ هدف های واقعی آنان چیست؟ هدفهای فراتر از صحنه درگیری چه می تواند باشد؟

۲- ریشه های عمیق تر درگیری از بعد ساختاری، فرهنگی و تاریخی و... کدام است؟

۳- چه دیدگاههای وجود دارد؟ آیا به جز دیدگاهی که یک طرف بر طرف دیگر غلبه کند دیدگاههایی جدید و سازنده ای به طور خاص مطرح است؟ آیا این قبیل دیدگاهها به اندازه کافی هستند تا بتوانند مانع از بروز خشونت شوند؟

۴- اگر درگیری به وجود آید، تاثیرات نامرئی و نامشهود مثل آسیب های روانی، کینه توزی، میل به انتقام و ... چگونه خواهد بود؟

۵- چه کسانی برای متوقف کردن خشونت فعالیت می کنند؟ دیدگاه این افراد درباره نتاج و عواقب درگیری چیست؟ روش آنها کدام است؟ این افراد چگونه می توانند مورد حمایت قرار گیرند (Galtung, 2006).

در این پژوهش ما پرسش های مورد نظر گالتونگ را در موضوع مورد بررسی به چهار پرسش به شرح زیر خلاصه و مطرح کرده ایم:

۱- ماهیت حکومت طالبان چیست و چگونه خواهد بود؟

۲- دلایل به قدرت رسیدن دوباره طالبان چیست؟

۳- به قدرت رسیدن دوباره طالبان چه پیامدهای احتمالی خواهد داشت؟

۴- در مواجهه با تحولات افغانستان و به قدرت رسیدن دوباره طالبان چه باید کرد؟

**فرضیه تحقیق:** تحقیقات کیفی فاقد فرضیه هستند. این تحقیق نیز که با رویکرد کیفی و روش تحلیل مضمون انجام می گیرد فرضیه ندارد.

**جامعه و نمونه آماری و روش گردآوری داده های پژوهش:**

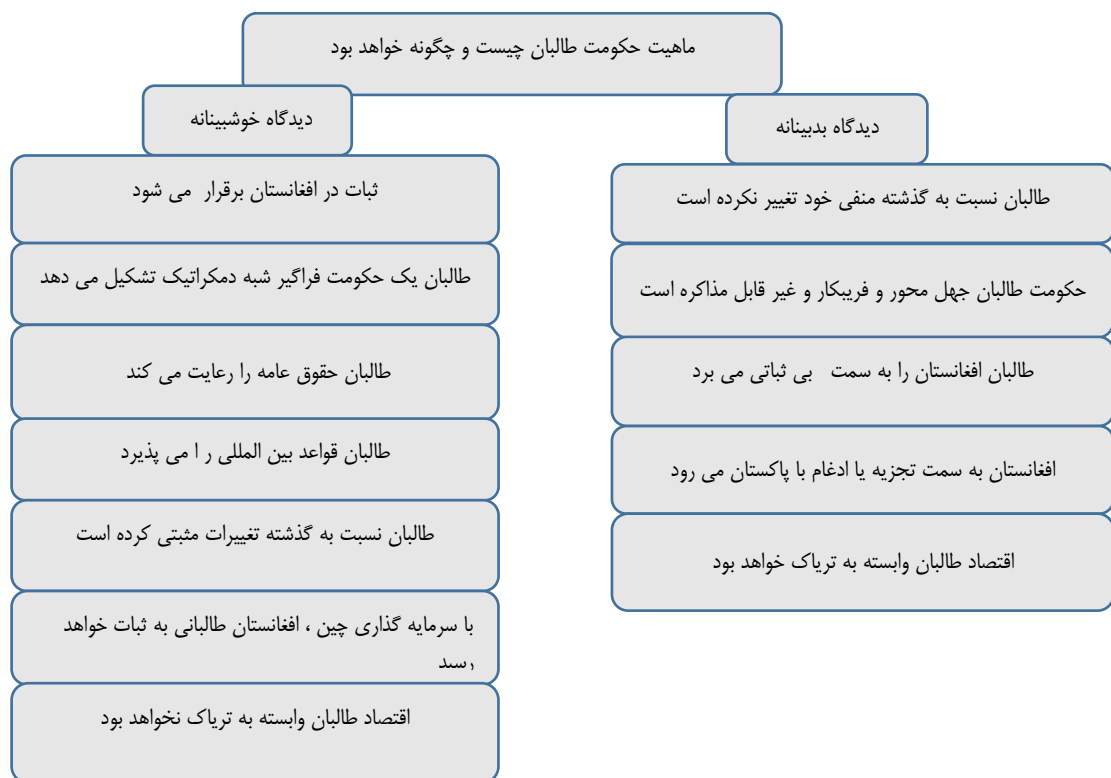
در مورخ ۱۴۰۰/۵/۲۴، روزی که کابل به تصرف نیروهای طالبان درآمد، مصادف شد با آغاز تعطیلات سراسری یک هفته ای در ایران (برای کنترل بیماری کرونا و مناسبت تاسوعاء و عاشورای حسینی)، به تبع بیشتر مطبوعات کشور تا روز ۱۴۰۰/۵/۳۰ منتشر نشدند، جامعه آماری ما پنج روزنامه (کیهان، رسالت، آفتاب یزد، شرق، همشهری) به گونه ای انتخاب شده اند که طیف های سیاسی نمایندگی کنند که از تاریخ ۱۴۰۰/۵/۳۰ تا ۱۴۰۰/۶/۴ منتشر شده اند از هر روزنامه ۱۰ مطلب (مقاله، یادداشت، مصاحبه، تحلیل..) در مجموع مطلب که به نوعی پاسخگویی سوالات پژوهش بود انتخاب و عبارات معنای از آن استخراج شد.

**چگونگی انجام پژوهش:**

در این پژوهش کیفی پس از گردآوری متن‌ها با خوانش و بررسی آنها، عبارت معنایی شناسایی، کدگذاری و طبقه‌بندی شد. نحوه کدگذاری و طبقه‌بندی داده‌های به این گونه انجام گرفته که ابتدا در هر متن، جملات و اشاراتی که به نوعی پاسخگوی پرسش‌های تحقیق بود استخراج شد، سپس مضامین اولیه براساس عبارت معنایی کدگذاری گردید و مضامین پایه (کدها و نکات کلیدی موجود در متن) بدست آمد سپس از ترکیب و تخلیص و سازماندهی آن مضامین سازمان دهنده شکل گرفت و درنهایت با ترکیب و خلاصه کردن مضامین سازمان دهنده، مضامین فراگیر که دربردارنده اصول حاکم بر متن هستند بدست آمد و نتیجه آن در قالب جداول مضامین ارائه شده است.

### یافته‌های پژوهشی:

#### شبکه مضامین: ماهیت حکومت طالبان چیست و چگونه خواهد بود؟



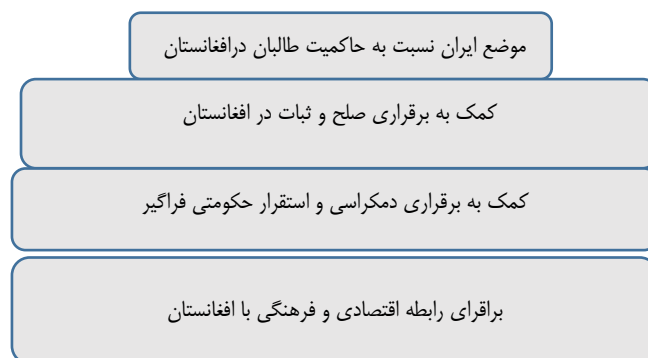
#### شبکه مضامین: دلایل به قدرت رسیدن دوباره طالبان چیست؟



### شبکه مضامین: به قدرت رسیدن دوباره طالبان چه پیامدهای احتمالی خواهد داشت؟



### شبکه مضامین: در مواجهه با تحولات افغانستان و به قدرت رسیدن دوباره طالبان چه باید کرد؟



## نتیجه گیری:

ایران به لحاظ جغرافیایی در چهارراه بزرگترین جنگ ها و منازعات دهه های اخیر جهان قرار گرفته است، (حمله آمریکا به عراق و افغانستان، بحران سوریه و ظهور داعش در منطقه، مناقشات و درگیری های رژیم اشغالگر قدس با حزب اله لبنان و جبهه مقاومت فلسطین، جنگ عربستان و یمن، جنگ ارمنستان و آذربایجان، ....) و کم یا زیاد از این بحران ها متأثر شده است و گاهاً سعی در تاثیرگذاری بر این جریانات در جهت و چهارچوب منافع ملی داشته است و در کنار اقدامات (در مواردی) لجستیک، دیپلماتیک و سیاسی از ظرفیت های رسانه ها جهت هدایت و حمایت افکار عمومی و کاهش تنش و اضطراب های احتمالی جامعه و اعلام رویکرد و مواضع دولتمردان بهره برده است. اعلام خروج نیروهای آمریکایی از افغانستان و در پی آن فتح شهر به شهر افغانستان توسط نیروهای طالبان تا پیشروی به ارگ ریاست جمهوری در کابل و برفرآشتن بیرق امارات اسلامی بر فراز آن هراس تشکیل مجدد حکومت بنیادگرا و ضد انسانی طالبان (با توجه به پیشینه که از حکومت سابق طالبان در ذهن ها مانده است) را در کشورهای منطقه ایجاد کرده است. عملکرد رسانه ها و تحلیل آنها از شرایط بوجود آمده جهت مواجهه معقول با این تحولات، بویژه در آغازین روزهای که جامعه هنوز درک درستی از پدیده ندارند و منتظر تحلیل های رسانه و اعلام مواضع دولتمردان و مسئولین و سرآمدان جامعه هستند، بسیار مهم است؛ در چنین شرایطی رسانه ها می توانند با تکنیک های مثل برجسته سازی، تحریف و بزرگنمایی الویت ذهنی جامعه را به سمت خشونت و تشویش هدایت کنند و یا با تخفیف دادن ماجرا آن را از الویت ذهنی جامعه خارج کند و یا اینکه با اتخاذ رویکردی مصلحانه در چارچوب قواعد و مولفه های روزنامه نگاری صلح ضمن کاهش اضطراب جامعه (مردم گرایی) به ماهیت واقع پرداخته (حقیقت گرایی) و دلایل و ریشه یابی تنازع (فرایند مداری) را واکاوی کند و دورنمایی از پیامدهای احتمالی را برای مواجهه معقول با تحولات ترسیم کند (راه حل گرایی). در این پژوهش نگاه مطبوعات ایران پیرامون به قدرت رسیدن مجدد طالبان با روش تحلیل مضمونی و در قالب چهار پرسش اساسی (چیستی ماهیت طالبان، دلایل به قدرت رسیدن مجدد و پیامدهای احتمالی حکومت طالبانی، و موضع سرآمدان و رسانه ها در قبال به قدرت رسیدن طالبان) که از مولفه های روزنامه نگاری صلح است را استخراج کردیم.

روزنامه های مورد بررسی از دو منظر خوشبینانه و بدبینانه ماهیت حکومت طالبان را واکاوی کرده اند: در دیدگاه خوشبینانه طالبان نسبت به گذشته (حکومتی افراطی که برای افغانستان جز فقر و عقب ماندگی و جهل ثمر نداشته و در دامن خود شرورترین تروریستهای قرن را پرورانده بود) تغییرات مثبتی کرده است و یک حکومت فراگیر شبه دموکراتیک تشکیل خواهد داد که قواعد بین المللی را می پذیرد با همسایگان رابطه حسنه برقرار می کند و مورد پذیرش جامعه بین الملل قرار می گیرد و از

نظر امور داخلی بدور از خشونت به فکر رفاه مردم خواهد بود، از کارمندان سابق دولت استفاده می کند، حقوق زنان و الگوهای فرهنگی نسل جوان را می پذیرد و بدور از افراطگرایی دینی حقوق شیعیان را به رسمیت خواهد شناخت و چون گذشته اقتصادش را بر محوریت کشت و توزیع مواد مخدر قرار نمی دهد و بجای آن با سرمایه گذاری چین در بخش های اقتصادی بویژه معدن، افغانستان را به ثبات می رساند. از منظر دیگر که بدبینانه است طالبان نسبت به گذشته تغییر نکرده و شعارهای تغییری که سر می دهد فریبکارانه است و حکومتش بر محوریت جهلی می گردد که نه قابل مذاکره و نه قائل به آن است و سیاست اقتصادی اش درآمدزایی بر مبنای کشت خشخاش و صادرات آن به دیگر کشورها خواهد بود. طالبان افغانستان را به سمت بی ثباتی می برد به گونه ای که با راه افتادن جنگ داخلی امکان تغییر در مزر های سرزمینی افغانستان با تجزیه آن می رود همچنین احتمال می رود افغانستان با پاکستان در یک نظام کنفدرال به یک کشور واحد تبدیل شود.

روزنامه های مورد بررسی دلایل به قدرت رسیدن دوباره طالبان را در دو دسته علل داخلی و علل خارجی واکاوی کرده اند. علل داخلی: - دولت ملی افغانستان در طول بیست سال در سایه نیروی های نظامی امریکا و ناتو نتوانسته بود ارتشی منظم و ساختارمند و بیش از همه وفادار را تشکیل دهد. این ارتش بی کفایت و بی انگیزه در طول دو هفته پیشروی شهر به شهر نیروهای با انگیزه جهادی طالبان در بیشتر مناطق با دریافت رشوه سلاح های خود را تقدیم و میدان را به نفع نیروهای طالبان خالی کردند.

- رئیس جمهور افغانستان (اشرف غنی) در انتخاباتی مشکوک و با کمترین حد مشارکت مردمی و زد و بند و تقسیم قدرت و سپردن امور اجرایی دولت با رقیب انتخاباتی ( عبدالله عبدالله) به قدرت رسیده بود. رئیس جمهور به جای تاکید و تقویت حس ملی گرایی گرایشات قومدارانه داشت. اشرف غنی توان اداره کردن نیروهای نظامی و دولت تحت امرش را نداشت. فساد گسترده ای در دولت وجود داشت و او چشمش را روی فساد دولتمردانی که عمدتاً نیز از او ناراضی بودند بسته بود، به این علت مردم از دولتی که باور داشتند دستشانده امریکا است ناراضی بودند و انگیزه ای برای حمایت و پشتیبانی و نیز تمایلی به ادامه حیات آن نداشتند.

- سازش های داخلی موجب عدم مقاومت و واگذاری سریع قدرت به طالبان بود به گونه ای که از یک طرف دولتمردان سابق (کرزی، عبدالله، حکمتیار) با توافقی پنهانی کمیته انتقال را تشکیل دادند. از طرف دیگر طالبان با سران اقوام و روحانیت را در ولایات واسطه قرار دادند تا نظامیان را قانع کنند که در مقابل آنها جنگ نکنند با این استدلال که مانع برادر کشی شوند.

- ساختار های معیوب فرهنگی و اجتماعی بستر ساز حیات پنهانی، ظهور و به قدرت رسیدن دوباره طالبان شد؛ جامعه افغانستان جامعه ای دینی است، طالبان از باورهای دینی مردم در راستای اهداف خود استفاده می کردند و در مقابل ساختارهای فکری و فرهنگی برای مواجهه معقول با اندیشه های طالبانی در جامعه شکل نگرفته و دولت های مستقر از نظر فرهنگی نتوانسته بود اعتماد عمومی را جلب کند به ویژه در مسئله جوانان، اعتیاد گسترده در میان جوانان، مهاجرات و مشکلات فرهنگی دختران جوان که انتقاد بزرگترها را به همراه داشت. همه این ها موجب موجب پذیرش اندیشه های طالبانی و استقبال بخش عمدتاً سنتی جامعه از ورود طالبان به عرصه سیاستگذاری فرهنگی و اجتماعی بود.

علل خارجی :

- (همیشه پای آمریکا در میان است) حکومت سابق طالبان بیست سال پیش به حمله نیروهای نظامی آمریکا و ناتو سرنگون شد و با اعلام خروج نیروهای آمریکا از خاک افغانستان میدان را برای بازپس گیری تخت فرمانروای بر افغانستان که طالبان جلوس برآن را حق خود می داند خالی کرد. خروج آمریکا از دو منظر خروج با برنامه و براساس اهداف سیاسی و اقتصادی و خروج به علت ناتوانی و شکست نگاه شده است.

- حمایت و کمک نیروهای خارجی به طالبان از جمله کمک فرماندهان نظامی پاکستان به گونه ای که در لباس دواطلبان پشتون در صف نظامیان طالبان قرار گرفتند. به همراه پاکستان، آمریکا، چین و روسیه بین خود توافقی برای دست اندازی به معادن افغانستان در توافق و همراهی با حکومت طالبان داشتند. عربستان نیز که حامی سنتی طالبان است از آنجایی که از نزاع شیعه و

سنی در منطقه منتفع می شود و به قدرت رسیدن طالبان از این نظر اهداف او را مرتفع می کند، حامی طالبان برای به قدرت رسیدن مجدد بود.

استقرار حکومت طالبان همراه پیامدهای است با توجه به سابقه طالبان پیش فرض های از تهدیدهای احتمالی می رود از جمله تهدید تسری اسلامگرایی افراطی به کشورهای پاکستان، هند، چین و روسیه که جمعیتی از مسلمانان با گرایش های رادیکال را در خود جای داده و مستعد تاثیرپذیری از ایدئولوژی طالبانی و ایجاد دردسر برای دولت های مرکزی این کشورها هستند. حکومت سابق طالبان به بهانه مبارزه با تروریسم، با حمله آمریکا و ناتو خلع قدرت شد، با به قدرت رسیدن دوباره طالبان تهدید های تروریستی و ایجاد ناامنی چه در خاک افغانستان و چه در دیگر نقاط جهان سایه افکنده است؛ بویژه اینکه عواملی از داعش و دیگر گروه های تکفیری در لایه های از حکومت طالبان زیست پنهان دارند.

بیش از ۸۰ درصد تریاک جهان در افغانستان تولید می شود. بخش عمده ای از درآمد طالبان از دریافت مالیات از کشاورزان خشکساخت بدست می آید به علاوه اینکه مافیای ترانزیت مواد مخدر، تجارتی پر سود برای طالبان است و تا اقتصاد مناسب جایگزین این کسب پرسود نشود تهدید ترانزیت مواد مخدر به ویژه از مرزهای ایران و روسیه وجود دارد.

– هجوم مردم افغانستان به فرودگاه کابل و آویزان کردن خود به چرخ های هواپیماهای امریکایی برای فرار از دست طالبان حکایت از سیل پناهجویان آتی به کشورهای دیگر از جمله کشورهای اتحادیه اروپا و ایران دارد. در اتحادیه اروپا اجماعی در خصوص مسئله پناهجویان افغان وجود ندارد و اکثریت این کشورها خواهان پذیرفتن پناهجویان نیستند. از طرفی ایران نیز که سالها میزبان پناهندگان افغان بود و با سقوط حکومت سابق طالبان بخشی از آنها به وطن خود بازگشتند حال با تحولات ایجاد شده احتمال بازگشت و مهاجرت پناهندگان افغان به صورت گسترده به ایران می رود، با توجه به اینکه کشور ایران خود با مشکلات اقتصادی روبرو است و برخی پناهندگان آسیب های اجتماعی را با خود به همراه می آوردند، مسئله پناهندگان یک تهدید برای ایران محسوب می شود.

طالبان گروهی ایدئوزیک است تضاد ایدئولوژیک اسلام طالبانی با جمهوری اسلامی ایران، زمینه ساز ارتباط آنها با دشمنان ایران یعنی عربستان سعودی، آمریکا و اسرائیل است بنابراین نزدیک شدن طالبان به مرزهای ایران تهدید امنیت ملی محسوب می شود.

دوران حکومت سابق طالبان فاجعه ای برای میراث فرهنگی و آثار تاریخی افغانستان بود. در ولایت بامیان دو مجسمه باستانی بودا که در فهرست میراث جهانی قرار داشت با دستور ملا محمد عمر رهبر موقت طالبان منفجر شد. در اقدامی دیگر نیروهای طالبان موزه کابل را غارت و تخریب کردند. حال با روی کار آمدن دوباره طالبان نگرانی های جهانی پیرامون تهدید تخریب میراث فرهنگی و آثار تاریخی افغانستان بوجود آمده است.

حکومت طالبان فرصت های برای برخی کشورها مثل چین، روسیه، پاکستان و آمریکا فراهم می کند تا منافع سیاسی و اقتصادی خود را تامین کنند چین با حضور در افغانستان می تواند بازار این کشور را بدست بگیرد و در زیرساخت های این کشور سرمایه گذاری و به معادن غنی این کشور دسترسی پیدا کند و نیز با حمایت طالبان می تواند پروژه (کمبرنده و راه) را توسعه دهد و از نفوذ هند و روسیه در منطقه بکاهد. به علاوه اینکه چین از سرنوشت افغانستان بهروری سیاسی می کند و از آن برای هشدار دادن به رهبران تایوان نسبت به تکیه ناپذیر بودن آمریکا استفاده می کند. روسیه می تواند تعاملات انرژی خودشان را با کشورهای جنوب آسیا برقرار کند و منفعت های گرانبهای ببرند. بعلاوه از نگرانی های ایجاد شده از قدرت گرفتن طالبان در آسیای مرکزی استفاده کرده و خود را به عنوان تامین کننده امنیت آسیای میانه مطرح کند. هند به واسطه حضور آمریکا نفوذ زیادی در افغانستان داشت حال پاکستان این فرصت را دارد که در جبهه جدید هند را پس بزند و بعلاوه می تواند با همکاری با چین برای توسعه کمربند راه در منطقه کمک کند و از این طریق از نفوذ هند بکاهد. آمریکا از ناامنی افغانستان به دلیل تعارض منافع با چین و روسیه منفعت می برد. نگرش آمریکا این است با خروج از افغانستان روسیه و چین با بحران های امنیتی هزینه بر مواجهه می شوند. بعلاوه آمریکا از تنش در منطقه و دنیا ناخرسند نیستند و از ناامنی بهره می برد تا خود را به عنوان پلیس جهانی مطرح و سلطه بر نظم جهانی را تحکیم کند.



کمک به برقراری صلح و ثبات در افغانستان، ادامه و گسترش رابطه اقتصادی و فرهنگی با افغانستان تحت حاکمیت طالبان و حفاظت مرزهای کشور ایران از ترانزیت مواد مخدر شقوق سه گانه پی ریزی شده مطبوعات مورد بررسی در مواجهه با تحولات افغانستان و حکومت طالبانی است. تنش و بی ثباتی با تاریخ معاصر افغانستان گره خورده است، جامعه افغانستان مقدم بر هر چیز نیازمند برقراری صلح و ثبات است باید از خشونت، جنگ و تنش های داخلی، قومی و مذهبی جلوگیری کرد و فرصت و بهانه بازگشت دوباره نیروهای امریکایی به خاک افغانستان را نداد و خود نیز سیاست عدم مداخله در مسائل داخلی افغانستان و مواضع طالبان را در پیش گرفته و به تحریک افراد و گروههای داخلی برای ورود به جنگ با طالبان توجه نکرده و اختلافات موجود را مدیریت و به نزاع افغانستان وارد نشویم، البته به این معنی نیست که کاملاً منفعل باشیم بلکه باید در راستای خواست مردم افغانستان با حمایت از دموکراسی نحیف و نهادهای مدنی نیم بندی که در دروان حکومت پیشین شکل گرفته بود به تشکیل حکومتی فراگیر و مردمی به دور از اقتدار طالبانی کمک کنیم. بازار افغانستان مقصدی سودمند برای کالاهای ایرانی است علاوه بر آن معادن ارزشمندی در افغانستان نهفته است که می توان با تجاری که در زمینه معدن داریم با استخراج آن هم به ثروتمند شدن افغانستان کمک کنیم و هم از منفعت های اقتصادی آن بهره مند شد. بنابراین باید روابط اقتصادی و تجاری را با افغانستان گسترش دهیم. با توجه به اشتراک فرهنگی به ویژه اشتراک در زبان فارسی و وجود فرهیختگان فرهنگی و هنری علاقه مند به تبادلات فرهنگی، می توان جهت نفوذ معنی، ارتباطات فرهنگی را با این کشور گسترش داد.

## منابع:

- انفرادی، فتانه (۱۳۸۷) ، بررسی میزان انطباق فعالیت های حرفه ای خبرنگاران خبرگزاری های کشور با روزنامه نگاری صلح، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران.
- اینبارج کریشنان ، سانی ( ۱۳۸۲) برنامه اقدام برای رسانه ها، نگرش روزنامه نگاری صلح در دوره پس از ۱۱ سپتامبر، ترجمه علی ایثاری، فصلنامه رسانه، سال چهاردهم شماره اول.
- تهرانیان، مجید ( ۱۳۸۰) روزنامه نگاری صلح ، ترجمه حسن نورائی بیدخت، فصلنامه رسانه ، سال دوازدهم ، شماره ۴
- روزنامه وقایع اتفاقیه (۱۲۶۷ ه . ق .).
- عابدی جعفری، حسن؛ تسلیمی، محمدحسین؛ فقیهی، ابوالحسن؛ شیخ زاده، محمدی (۱۳۹۰)، تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روش ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده های کیفی ، اندیشه مدیریت راهبردی، شماره ۱۰، صص ۱۵۱-۱۹۸.
- عبدالهی نژاد، علی رضا (۱۳۹۲) مقدمه کتاب جنگ و رسانه، پیدایش نبردهای تکثیر شونده، نویسنده اندرو هاسکینز و بن اولافن، ترجمه ملیحه مهدی زاده سراج، تهران: اندیشه سازان نور.
- لازار، ژودیت (۱۳۸۴)، افکار عمومی، ترجمه، مرتضی کتبی، چاپ سوم، تهران، نشر نی.
- مهاجرانی، عطاء اله (۱۳۸۱)، ارتباطات جمعی و صلح جهانی، فصلنامه رسانه، سال سیزدهم، شماره سوم، صص ۲۵ - ۱۶.

## References:

- Erosy,metin(2006),obstacles to peace journalism in north Cyprus, Eastern Mediterranean university.
- Irvan,suleyman (2006) , peace journalism as a normative theory : premises and obstacles, GMJ: Mediterranean Edition, 1(2) fall
- Galtung, johan (2006) , peace journalism as a Ethical challenge , GMJ: Mediterranean Edition, 1(2) fall.

- Solo, Fataneh (2007), examining the degree of conformity of the professional activities of the journalists of the country's news agencies with peace journalism, master's thesis, Faculty of Broadcasting of the Islamic Republic of Iran. (in Persian)

Inbarj Krishnan, Sunny (1382) Action plan for the media, the attitude of peace journalism in the period after September 11, translated by Ali Ithari, Media Quarterly, 14th year, number one. (in Persian)

Tehrani, Majid (1380) Peace Journalism, translated by Hasan Nourai Bidkhet, Media Quarterly, Year 12, Number 4

- Newspaper of Incidents (1267 AH). (in Persian)

- Abedi Jafari, Hassan; Taslimi, Mohammad Hossein; Faqih, Abul Hassan; Sheikhzadeh, Mohammadi (2018), Theme analysis and theme network: a simple and efficient method to explain patterns in qualitative data, Strategic Management Thought, No. 10, pp. 198-151. (in Persian)

- Abdalhajjad, Ali Reza (2012) Introduction to the book War and Media, The Origin of Proliferating Battles, authored by Andrew Hoskins and Ben Olafen, translated by Maleeha Mehdizadeh Siraj, Tehran: Andishe Sazan Noor. (in Persian)

- Lazar, Judith (2004), Public Opinions, translation, Morteza Katabi, third edition, Tehran, Ney Publishing.

Mohajerani, Ata Elah (2001), Mass Communication and World Peace, Media Quarterly, 13th year, 3rd issue, - pp. 16-25(in Persian).

Erosy,metin(2006),obstacles to peace journalism in north Cyprus, Eastern Mediterranean university.

-Irvan,suleyman (2006) , peace journalism as a normative theory : premises and obstacles, GMJ: Mediterranean Edition, 1(2) fall

-Galtung, johan (2006) , peace journalism as a Ethical challenge, GMJ: Mediterranean Edition, 1(2) fall.